

به نام یزدان پاک

همه سوال های

دکترای تخصصی (Ph.D)

جغرافیای سیاسی

(جلد ۵)

۱۳۹۹-۱۴۰۱

تهیه کنندگان

گروه مولفین



۵۶۱. براساس مدل نظری کانتوری و اسپینگل، هر نظام منطقه‌ای از چه ساختاری تشکیل می‌شوند؟
 (۱) کانون - هسته - پیرامون
 (۲) هسته - پیرامون - مداخله‌گر
 (۳) مداخله‌گر - مستقل - حاشیه
 (۴) حاشیه - هسته - مستقل
۵۶۲. کدام جغرافیدان سیاسی در زمینه ژئوپلیتیک رفتاری مسائل جهانی را با تأکید بر رهیافت‌های اتصال، انتشار و نظریه بازی‌ها ارائه داد؟
 (۱) او سالیوان
 (۲) دیوید هاروی
 (۳) جان اولافن
 (۴) سوئل بی کوهن
۵۶۳. کدام مورد جزء ویژگی‌های سیستم واگرا است؟
 (۱) دارای احساسات ملی، قومی و عقیدتی ضعیفی هستند.
 (۲) نگران قرار گرفتن تحت سلطه قدرت‌های بزرگ هستند.
 (۳) سابقه خوبی در تعهد به پیمان‌های بین‌المللی ندارند.
 (۴) چالش‌های درونی آنها تحت تأثیر عوامل بیرونی است.
۵۶۴. مباحث ژئوپلیتیک انتقادی در جغرافیای سیاسی به کدام یک از دیدگاه‌ها و مکاتب نزدیک است؟
 (۱) دیدگاه‌های سنتی پ
 (۲) دیدگاه ناحیه‌ای
 (۳) کارکردگرایی
 (۴) پسامدرن و ساختارشکن
۵۶۵. کدام نظریه شباهت زیادی به نظریه ابن‌خلدون دارد؟
 (۱) حکومت اوپنهاجر
 (۲) رشد فضایی راتزل
 (۳) کارکردگرایی هارتشورن
 (۴) چشم انداز ویتلسی
۵۶۶. درونت و ویتلسی در طرح مباحث خود از کدام راهبرد دفاع می‌کرد؟
 (۱) ارتباط نزدیک با اتحاد جماهیر شوروی
 (۲) معتقد به اتحاد با نظام‌های غیراروپایی
 (۳) گرایش به شکل‌گیری اتحادیه‌های غیردولتی
 (۴) یک ناظم جایگزین به رهبری ایالات متحده آمریکا
۵۶۷. کدام جغرافیدان سیاسی در پیشبرد دیدگاه فضایی در جغرافیای انتخابات نقش اساسی داشت؟
 (۱) جان آگنیو
 (۲) کوین کاکس
 (۳) سیمون دالبی
 (۴) جان رنه شورت
۵۶۸. جغرافیای سیاسی انسان‌گرا در کدام دهه و در واکنش به چه رویکردهایی در قرن بیستم، شکل گرفت؟
 (۱) ۱۹۲۰ - فاشیستی
 (۲) ۱۹۳۰، لیبرالیستی
 (۳) ۱۹۸۰ - پوزیتیویستی
 (۴) ۱۹۹۰ - ناسیونالیستی
۵۶۹. از نظر ژان گاتمن، ترکیب باورها، دیدگاه‌ها و شیوه‌های انجام امور مختلف که در روح یک ملت گنجانده شده‌اند شکل‌دهنده کدام مفهوم است؟
 (۱) حرکت
 (۲) ارگانیزم‌گرایی
 (۳) نمادنگاری سنتی
 (۴) ناحیه‌گرایی درهم‌تنیده
۵۷۰. «کارل دوبیچ» و «جوشا گلداشتین» به ترتیب کدام متغیر را در ارزیابی قدرت ملی، مهمتر از بقیه می‌دانند؟
 (۱) نیروی نظامی - تولید ناخالص ملی
 (۲) هزینه و اندازه نیروی نظامی - درآمد ملی
 (۳) هزینه‌های نظامی - اندازه نیروی دریایی
 (۴) تولید و مصرف انرژی - درآمد ناخالص ملی
۵۷۱. در نظریه «نظام جهانی» والرشتاین، نیروی محرکه این نظام از کدام طریق کسب می‌شود؟
 (۱) چالش‌های پایدار در پیرامون
 (۲) چالش‌های چندسطحی در نیمه پیرامون
 (۳) رقابت میان کشورهای کانونی
 (۴) رقابت میان حکومت‌های ملی
۵۷۲. مرحله دوم جامعه انسانی مورد نظر توماس هابز در کتاب لویاتان، کدام است؟
 (۱) وضعیت طبیعی
 (۲) وضعیت اجتماعی
 (۳) جامعه در حال نزاع
 (۴) جامعه پیش از تشکیل حکومت
۵۷۳. هدف علم «عمران» مدنظر ابن‌خلدون کدام است؟
 (۱) بررسی جامعه انسانی براساس حکمت و اخلاق
 (۲) بررسی امور اجتماعی و تاریخی برای کشف علل واقعی آن‌ها
 (۳) اداره جامعه انسانی بر اساس قوانین اجتماعی
 (۴) اداره حکومت بر مبنای قواعد فلسفی - حقوقی
۵۷۴. روکان و آدوین، پیوندهای میان هویت و خودآگاهی را چه می‌نامند؟
 (۱) یادگار پرستی
 (۲) قدیسین ملی
 (۳) عوامل نهادی
 (۴) سرگذشت سرزمین
۵۷۵. تحت تأثیر فرایند جهانی شدن، جریان‌های اصلی شکل‌دهنده تغییرات فضایی از کدام مکان‌ها سرچشمه می‌گیرند؟
 (۱) کلان شهرها
 (۲) جهان شهرها
 (۳) شهرهای جهانی
 (۴) مگالا پلیس‌ها
۵۷۶. براساس نظریه آشفنگی دمرکراسی، کدام عامل منجر به سست شدن کنترل اجتماعی و گسترش چالش‌های سیاسی شده است؟
 (۱) تضعیف مرزهای سیاسی
 (۲) ناتوانی حکومت‌ها در کنترل سرمایه
 (۳) مخدوش شدن مرزهای دولت ملی
 (۴) تقویت هویت‌های قومی برای جدایی طلبی

۵۷۷. نظریه دینامیسم فضایی سیاسی کدام مطلب را مورد بحث قرار می‌دهد؟
- (۱) تکامل مدیریت سیاسی فضای جغرافیایی
(۲) رابطه ایدئولوژی سیاسی با فضای جغرافیایی
(۳) تکامل اندیشه سیاسی در فضا
(۴) رابطه دیالکتیکی جامعه و سیاست
۵۷۸. گزاره «وجود تهدیدات در حاشیه یک امپراطوری منجر به تشدید توسعه‌طلبی ارضی می‌شود» مربوط به کدام نظریه است؟
- (۱) تباری
(۲) درهای بسته
(۳) آثارشیستی
(۴) جبهه ناآرام
۵۷۹. کدام گزینه بیانگر دیدگاه «مانوئل کانت» نسبت به جغرافیای سیاسی است؟
- (۱) رابطه میان نظام‌های سیاسی و فرهنگ ملت‌ها
(۲) رابطه میان نظام‌های سیاسی و اقلیم‌های متفاوت
(۳) رابطه میان نظام‌های سیاسی و جغرافیای طبیعی
(۴) رابطه میان نظام‌های سیاسی و گروه‌های اجتماعی غیررسمی
۵۸۰. کدام اندیشمند معتقد بود: «بر اساس ویژگی‌های طبیعی یک کشور می‌توان به سهولت در خصوص گذشته و آینده آن پاسخ داد»؟
- (۱) ویکتور کوزن
(۲) ویلیام پتی
(۳) ژان بدن
(۴) شارل منتسکیو



۵۶۱. گزینه ۲)

- در مدل نظری کانتوری و اسپیکل، نظام‌های منطقه‌ای از سه ساختار اصلی تشکیل می‌شوند:
۱. هسته: قدرتمندترین و توسعه‌یافته‌ترین کشور یا گروهی از کشورها در یک منطقه که بر سایر بازیگران منطقه‌ای نفوذ و تسلط دارند. هسته معمولاً از نظر اقتصادی، سیاسی و نظامی قوی است و می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات سایر بازیگران در منطقه تأثیر بگذارد.
 ۲. پیرامون: شامل کشورها یا گروهی از کشورهایی است که در اطراف هسته قرار دارند و به لحاظ اقتصادی، سیاسی و نظامی ضعیف‌تر هستند. کشورهای پیرامون در معرض وابستگی و نفوذ هسته قرار دارند و برای حفظ منافع خود مجبور به همکاری با آن هستند.
 ۳. مداخله‌گر: شامل بازیگران خارجی مانند قدرت‌های بزرگ یا سازمان‌های بین‌المللی است که در امور منطقه‌ای دخالت می‌کنند. مداخله‌گران می‌توانند برای حفظ منافع خود، ثبات منطقه را حفظ کنند یا به دنبال تغییر نظم موجود باشند.
- دلایل صحت گزینه ۲:**

- این گزینه ساختار سلسله‌مراتبی نظام‌های منطقه‌ای را به درستی نشان می‌دهد که در آن هسته در راس هرم قدرت قرار دارد و پیرامون و مداخله‌گران در سطوح پایین‌تر قرار دارند.
- این گزینه نقش و نفوذ هسته در نظام‌های منطقه‌ای را به درستی برجسته می‌کند.
- این گزینه به طور کامل به نقش مداخله‌گران خارجی در امور منطقه‌ای می‌پردازد.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- **گزینه ۱:** این گزینه ترتیب ساختارها را به اشتباه بیان می‌کند. هسته باید در راس هرم قدرت قرار داشته باشد، نه در میانه.
- **گزینه ۳:** این گزینه نقش و نفوذ هسته را نادیده می‌گیرد. مداخله‌گران نمی‌توانند بدون وجود هسته قدرتمندی در یک منطقه نفوذ قابل‌توجهی داشته باشند.
- **گزینه ۴:** این گزینه ترتیب ساختارها را به اشتباه بیان می‌کند و نقش مداخله‌گران خارجی را نادیده می‌گیرد.

۵۶۲. گزینه ۱)

دلایل صحت گزینه ۱:

- **تخصص او سالیوان در ژئوپلیتیک رفتاری:** او سالیوان به طور برجسته در زمینه ژئوپلیتیک رفتاری، شاخه‌ای از جغرافیای سیاسی که بر تعامل بین انسان، فضا و قدرت تمرکز دارد، فعالیت کرده است.
 - **تأکید بر رهیافت‌های اتصال، انتشار و نظریه بازی‌ها:** سالیوان در آثار خود به طور گسترده از رهیافت‌های اتصال، انتشار و نظریه بازی‌ها برای تحلیل مسائل جهانی در چارچوب ژئوپلیتیک رفتاری استفاده کرده است.
- معرفی رهیافت‌های کلیدی سالیوان:**

- **اتصال:** سالیوان اتصال را به عنوان فرآیندی که از طریق آن بازیگران در یک شبکه جهانی به هم مرتبط می‌شوند، تعریف می‌کند. او از این مفهوم برای بررسی چگونگی جهانی شدن، جایجایی ایده‌ها و نفوذ قدرت در سراسر جهان استفاده می‌کند.
- **انتشار:** سالیوان انتشار را به عنوان فرآیندی که از طریق آن ایده‌ها، هنجارها و ارزش‌ها در سراسر جهان منتشر می‌شوند، تعریف می‌کند. او از این مفهوم برای بررسی چگونگی شکل‌گیری هویت‌های جهانی و گسترش فرهنگ‌ها استفاده می‌کند.
- **نظریه بازی‌ها:** سالیوان از نظریه بازی‌ها برای مدل‌سازی تعاملات بین بازیگران در عرصه جهانی استفاده می‌کند. او با استفاده از این ابزار، به بررسی چگونگی تصمیم‌گیری بازیگران، استفاده از استراتژی و مدیریت تعارض در روابط بین‌الملل می‌پردازد.

آثار برجسته او سالیوان:

- **"ژئوپلیتیک رفتاری: بازیگران، شبکه‌ها و استراتژی‌ها در دنیای جهانی"** این کتاب اثری پیشگام در زمینه ژئوپلیتیک رفتاری است که به بررسی مفاهیم کلیدی این حوزه و کاربرد آنها در تحلیل مسائل جهانی می‌پردازد.
- **"جهانی شدن و ژئوپلیتیک: قدرت، فضا و هویت در عصر اطلاعات: (۲۰۰۶)"** این کتاب به بررسی چگونگی جهانی شدن بر روابط قدرت، فضا و هویت در سطح جهانی می‌پردازد.
- **"قدرت اطلاق: ژئوپلیتیک و نظم نوین جهانی: (۲۰۱۰)"** این کتاب به بررسی تمرکز فزاینده قدرت در دست بازیگران غیردولتی و چالش‌های ناشی از آن برای نظم نوین جهانی می‌پردازد.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- **دیوید هاروی:** هاروی بیشتر به خاطر نظرات خود در زمینه جغرافیای مارکسیستی شناخته شده است تا ژئوپلیتیک رفتاری.
- **جان اولافلن:** اولافلن در زمینه جغرافیای تاریخی و مطالعات امنیتی تخصص دارد، نه ژئوپلیتیک رفتاری.
- **سونل بی‌کوهن:** بی‌کوهن در زمینه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی تخصص دارد، نه ژئوپلیتیک رفتاری.

۵۶۳. گزینه ۳)

دلایل صحت گزینه ۳:

- **عدم پایبندی به تعهدات:** یکی از ویژگی‌های بارز سیستم‌های واگرا، عدم پایبندی به تعهدات بین‌المللی و پیمان‌هایی است که امضا می‌کنند. این موضوع به دلیل ضعف ساختاری، فقدان انسجام ملی و قومی و همچنین بی‌اعتمادی بین اعضای این سیستم‌ها رخ می‌دهد.
- **پیامدهای عدم تعهد:** عدم پایبندی به تعهدات بین‌المللی می‌تواند پیامدهای منفی متعددی برای سیستم‌های واگرا به همراه داشته باشد، از جمله:
 - **انزوا:** این کشورها ممکن است از جامعه بین‌المللی منزوی شوند و از مزایای همکاری‌های بین‌المللی مانند تجارت، کمک‌های مالی و تبادل فناوری محروم شوند.
 - **بی‌ثباتی:** عدم تعهد به پیمان‌ها می‌تواند منجر به بی‌ثباتی در روابط بین‌الملل و افزایش احتمال درگیری و تنش شود.
 - **ناامیدی:** عدم پایبندی به تعهدات می‌تواند اعتماد مردم را به دولت‌ها و همچنین به نظم بین‌الملل تضعیف کند.

مثال‌هایی از سیستم‌های واگرا با سابقه عدم تعهد به پیمان‌ها:

- **جمهوری یمن:** این کشور در طول تاریخ خود شاهد جنگ‌های داخلی و درگیری‌های متعددی بوده است و سابقه وضعی در پایبندی به تعهدات بین‌المللی دارد.
 - **سومالی:** سومالی از سال ۱۹۹۱ فاقد دولت مرکزی بوده و به شدت تحت تأثیر گروه‌های شبه‌نظامی و دزدان دریایی قرار دارد. این کشور سابقه وضعی در پایبندی به تعهدات بین‌المللی دارد.
 - **افغانستان:** افغانستان در طول تاریخ خود شاهد مداخلات خارجی و جنگ‌های داخلی متعددی بوده است. این کشور سابقه وضعی در پایبندی به تعهدات بین‌المللی دارد.
- دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:**
- **گزینه ۱:** اگرچه ممکن است سیستم‌های واگرا دارای احساسات ملی، قومی و مذهبی وضعی باشند، اما این موضوع یک ویژگی ضروری برای یک سیستم واگرا نیست.
 - **گزینه ۲:** همه سیستم‌ها تا حدی نگران سلطه قدرت‌های بزرگ هستند، اما این موضوع به تنهایی یک سیستم را به یک سیستم واگرا تبدیل نمی‌کند.
 - **گزینه ۴:** چالش‌های درونی یک سیستم می‌توانند تحت تأثیر عوامل بیرونی قرار بگیرند، اما این موضوع یک ویژگی ضروری برای یک سیستم واگرا نیست.

۵۶۴. گزینه ۴)

دلایل صحت گزینه ۴:

- **تمرکز بر قدرت و گفت‌وگو:** ژئوپلیتیک انتقادی بر ماهیت قدرت، توزیع آن در فضا و چگونگی شکل‌گیری گفتمان‌های ژئوپلیتیکی تمرکز دارد. این موضوع همسو با دیدگاه‌های پسامدرن و ساختارشکن است که قدرت را امری سیال و گفتمان را ابزاری برای بازتولید روابط قدرت می‌دانند.
 - **نقد روایت‌های سنتی:** ژئوپلیتیک انتقادی روایت‌های سنتی ژئوپلیتیک را که غالباً بر اساس دیدگاه‌های قدرتمندان و هژمونیک شکل گرفته‌اند، به چالش می‌کشد. این رویکرد نقدی با ماهیت ضدساختارگرایانه پسامدرن و ساختارشکن همخوانی دارد.
 - **توجه به حاشیه‌ها:** ژئوپلیتیک انتقادی به بررسی تجربیات و دیدگاه‌های حاشیه‌نشینان و گروه‌های فرودست در فضای جهانی می‌پردازد. این تمرکز بر حاشیه‌ها یکی از ویژگی‌های کلیدی رویکردهای پسامدرن و ساختارشکن است.
- مثال‌هایی از مباحث ژئوپلیتیک انتقادی که با دیدگاه‌های پسامدرن و ساختارشکن مرتبط هستند:**
- **نقد ژئوپلیتیک امپریالیسم:** ژئوپلیتیک انتقادی به بررسی چگونگی استفاده از ژئوپلیتیک برای توجیه و مشروعیت‌بخشی به امپریالیسم و سلطه می‌پردازد.
 - **بررسی نقش جنسیت و نژاد در ژئوپلیتیک:** ژئوپلیتیک انتقادی به بررسی چگونگی تلاقی جنسیت، نژاد و فضا در روابط قدرت جهانی می‌پردازد.
 - **تحلیل ژئوپلیتیک امنیت:** ژئوپلیتیک انتقادی مفاهیم سنتی امنیت را به چالش می‌کشد و به بررسی اشکال مختلف ناامنی در فضای جهانی می‌پردازد.
- دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:**
- **گزینه ۱:** دیدگاه‌های سنتی ژئوپلیتیک غالباً بر رویکردهای واقع‌گرایانه و اثبات‌گرایانه استوار هستند که با مبانی پسامدرن و ساختارشکن مغایرت دارند.

- گزینه ۲: دیدگاه ناحیه‌ای بر مطالعه ویژگی‌های منحصر به فرد هر منطقه جغرافیایی تمرکز دارد و کمتر به مسائل کلان جهانی و روابط قدرت می‌پردازد.
 - گزینه ۳: کارکردگرایی بر بررسی کارکردهای ساختارهای سیاسی و اجتماعی در حفظ نظم و ثبات تمرکز دارد و کمتر به نقد قدرت و گفتمان می‌پردازد.
۵۶۵. گزینه (۱)

دلایل صحت گزینه ۱:

- **تمرکز بر پویایی‌های قدرت:** هم نظریه ابن خلدون و هم نظریه حکومت اوپنهایم بر پویایی‌های قدرت و چگونگی شکل‌گیری و تحول ساختارهای سیاسی در طول زمان تمرکز دارند.
- **نقش جغرافیا:** هر دو نظریه به نقش جغرافیا در شکل‌گیری قدرت و سیاست توجه می‌کنند. ابن خلدون بر اهمیت عصبیت و انسجام اجتماعی در جوامع عشایری و بدوی تأکید می‌کند، در حالی که اوپنهایم بر نقش منابع طبیعی و موقعیت جغرافیایی در قدرت دولت‌ها تمرکز دارد.
- **چرخه‌های قدرت:** هر دو نظریه به وجود چرخه‌های قدرت و ظهور و سقوط دولت‌ها اشاره می‌کنند. ابن خلدون از مفهوم "عصبیت" برای توضیح چگونگی ظهور و سقوط سلسله‌ها استفاده می‌کند، در حالی که اوپنهایم بر نقش عوامل اقتصادی و اجتماعی در پویایی‌های قدرت تأکید می‌کند.

مثال‌هایی از شباهت‌های نظریه ابن خلدون و نظریه حکومت اوپنهایم:

- **هر دو نظریه بر این باورند که قدرت سیاسی ریشه‌ای در جامعه دارد.** ابن خلدون معتقد است که قدرت از عصبیت یا انسجام اجتماعی ناشی می‌شود، در حالی که اوپنهایم بر نقش ثروت و منابع در قدرت دولت‌ها تأکید می‌کند.
- **هر دو نظریه به نقش رهبری در حفظ و تحکیم قدرت اشاره می‌کنند.** ابن خلدون بر اهمیت رهبران کارزماتیک در بسیج پیروان تأکید می‌کند، در حالی که اوپنهایم بر نقش نخبگان حاکم در حفظ نظم و ثبات تمرکز دارد.
- **هر دو نظریه به وجود چالش‌هایی برای حفظ قدرت اشاره می‌کنند.** ابن خلدون از خطرات تجمل‌گرایی و فساد در میان نخبگان حاکم سخن می‌گوید، در حالی که اوپنهایم بر خطرات ناشی از نابرابری اقتصادی و نارضایتی اجتماعی تأکید می‌کند.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- **گزینه ۲:** نظریه رشد فضایی راتزل بر گسترش و اشغال قلمرو توسط دولت‌ها تمرکز دارد و شباهت زیادی به نظریه ابن خلدون ندارد.
- **گزینه ۳:** کارکردگرایی هارتشورن بر چگونگی عملکرد ساختارهای سیاسی برای رفع نیازهای جامعه تمرکز دارد و بر پویایی‌های قدرت و چرخه‌های قدرت تأکید نمی‌کند.
- **گزینه ۴:** چشم‌انداز ویتلسی بر تجارب زیسته افراد و ادراکات آنها از فضا تمرکز دارد و به طور خاص به تئوری‌های قدرت و دولت نمی‌پردازد.

۵۶۶. گزینه (۴)

دلایل صحت گزینه ۴:

- **حمایت از نظم نوین جهانی:** درونت و یتلسی از نظم نوین جهانی پس از جنگ جهانی دوم که به رهبری ایالات متحده آمریکا شکل گرفته بود، حمایت می‌کردند. آنها معتقد بودند که این نظم، با وجود نواقصی که داشت، بهترین چارچوب برای حفظ صلح و ثبات بین‌المللی بود.
- **نقش رهبری آمریکا:** درونت و یتلسی معتقد بودند که ایالات متحده آمریکا به عنوان قدرتمندترین کشور جهان، مسئولیت رهبری نظم نوین جهانی را بر عهده دارد. آنها از نقش آمریکا در سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و ناتو حمایت می‌کردند.
- **انتقاد از نظم دوقطبی:** درونت و یتلسی از نظم دوقطبی که در دوران جنگ سرد حاکم بود، انتقاد می‌کردند. آنها معتقد بودند که این نظم، با رقابت‌های تسلیحاتی و خطر جنگ هسته‌ای، ثبات بین‌المللی را به خطر انداخته است.

مثال‌هایی از حمایت درونت و یتلسی از نظم نوین جهانی:

- **حمایت از تاسیس سازمان ملل متحد:** درونت و یتلسی از جمله حامیان اصلی تاسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ بودند. آنها معتقد بودند که این سازمان می‌تواند به عنوان ابزاری برای حل و فصل مسالمت‌آمیز مناقشات بین‌المللی و ترویج صلح و امنیت جهانی عمل کند.
- **حمایت از برنامه مارشال:** درونت و یتلسی از برنامه مارشال که در سال ۱۹۴۸ برای کمک به بازسازی اروپای غربی پس از جنگ جهانی دوم ارائه شد، حمایت می‌کردند. آنها معتقد بودند که این برنامه برای ثبات و امنیت اروپا و همچنین برای منافع ایالات متحده آمریکا ضروری است.
- **حمایت از گسترش ناتو:** درونت و یتلسی از گسترش ناتو به عنوان یک پیمان دفاعی برای مقابله با تهدید اتحاد جماهیر شوروی حمایت می‌کردند. آنها معتقد بودند که این پیمان برای ثبات و امنیت اروپا ضروری است.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: درونت و یتلسی از اتحاد جماهیر شوروی انتقاد می‌کردند و روابط نزدیکی با این کشور نداشتند.
- گزینه ۲: درونت و یتلسی از اتحاد با نظام‌های غیراروپایی حمایت نمی‌کردند. آنها معتقد بودند که ایالات متحده آمریکا باید بر روابط خود با کشورهای اروپایی تمرکز کند.
- گزینه ۳: درونت و یتلسی از شکل‌گیری اتحادیه‌های غیردولتی به عنوان جایگزینی برای نظم موجود حمایت نمی‌کردند.

گزینه ۲) ۵۶۷

دلایل صحت گزینه ۲:

- نقش پیشگامانه کاکس: کوین کاکس به عنوان یکی از پیشگامان در زمینه جغرافیای انتخابات شناخته می‌شود. او در آثار خود به طور گسترده از رویکرد فضایی برای تحلیل نتایج انتخابات و توزیع قدرت سیاسی در فضا استفاده کرده است.
- توسعه مدل‌های فضایی: کاکس مدل‌های فضایی مختلفی را برای تبیین الگوهای رای‌دهی و رفتار انتخاباتی در فضا ارائه داده است. این مدل‌ها به درک بهتر از عوامل جغرافیایی و فضایی که بر نتایج انتخابات تاثیر می‌گذارند، کمک کرده‌اند.
- تاثیرگذاری بر نسل‌های بعدی: کارهای کاکس بر نسل‌های بعدی جغرافیادانان سیاسی که در حوزه جغرافیای انتخابات فعالیت می‌کنند، تاثیر قابل توجهی گذاشته است.

موارد برجسته از کارهای کوین کاکس در جغرافیای انتخابات:

- کتاب "نقشه‌های قدرت" (۱۹۸۵): "این کتاب به عنوان یکی از آثار بنیادی در زمینه جغرافیای انتخابات شناخته می‌شود. کاکس در این کتاب از مدل‌های فضایی برای تحلیل نتایج انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۱۹۸۰ استفاده می‌کند.
- مقاله "فضای انتخاباتی" (۱۹۹۷): "در این مقاله، کاکس مفهوم "فضای انتخاباتی" را معرفی می‌کند که به توزیع قدرت سیاسی در فضا و نقش عوامل جغرافیایی در شکل‌گیری این توزیع می‌پردازد.
- کتاب "جغرافیای انتخابات" (۲۰۰۱): "این کتاب به عنوان یک منبع جامع در زمینه جغرافیای انتخابات شناخته می‌شود. کاکس در این کتاب به بررسی تاریخی، نظریه‌ها و روش‌های تحقیق در این حوزه می‌پردازد.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: جان اگنیو بیشتر به خاطر کارهای خود در زمینه جغرافیای سیاسی مارکسیستی شناخته می‌شود تا جغرافیای انتخابات.
- گزینه ۳: سیمون دالبی بیشتر به خاطر کارهای خود در زمینه جغرافیای محیط زیست و امنیت شناخته می‌شود تا جغرافیای انتخابات.
- گزینه ۴: جان رنه شورت بیشتر به خاطر کارهای خود در زمینه جغرافیای شهری و جغرافیای اقتصادی شناخته می‌شود تا جغرافیای انتخابات.

گزینه ۳) ۵۶۸

دلایل صحت گزینه ۳:

- واکنش به محدودیت‌های رویکردهای پوزیتیویستی: جغرافیای سیاسی انسان‌گرا در دهه ۱۹۸۰ به عنوان واکنشی به محدودیت‌های رویکردهای پوزیتیویستی در جغرافیای سیاسی شکل گرفت. رویکردهای پوزیتیویستی بر عینی‌گرایی، روش‌های کمی و قوانین کلی تأکید داشتند و به جنبه‌های انسانی و تجربیات زیسته در فضا توجه کافی نمی‌کردند.
- تاکید بر آژانس انسانی: جغرافیای سیاسی انسان‌گرا بر نقش آژانس انسانی در شکل‌دهی به فضا و ساختارهای سیاسی تمرکز دارد. این رویکرد به این نکته توجه می‌کند که انسان‌ها فضا را به صورت فعال تجربه می‌کنند و معانی و مفاهیم خود را به آن نسبت می‌دهند.
- توجه به تنوع و تفاوت: جغرافیای سیاسی انسان‌گرا به تنوع تجربیات و هویت‌های انسانی در فضا توجه می‌کند. این رویکرد از رویکردهای کلی‌گرایانه که فضا را به صورت یکنواخت و همگن در نظر می‌گرفتند، فاصله می‌گیرد.

موارد برجسته جغرافیای سیاسی انسان‌گرا:

- تاکید بر تجربه زیسته: جغرافیادانان سیاسی انسان‌گرا بر اهمیت درک تجربیات زیسته افراد در فضا تأکید می‌کنند. آنها از روش‌هایی مانند مصاحبه، گروه‌های متمرکز و روایت‌پژوهی برای جمع‌آوری داده‌ها و درک تجربیات افراد استفاده می‌کنند.
- توجه به عدالت فضایی: جغرافیای سیاسی انسان‌گرا به مسائل مربوط به عدالت فضایی، مانند نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در فضا، می‌پردازد. این رویکرد به دنبال یافتن راه‌هایی برای ایجاد فضاهای عادلانه‌تر و فراگیرتر است.
- استفاده از روش‌های کیفی: جغرافیادانان سیاسی انسان‌گرا از روش‌های کیفی مختلفی مانند مصاحبه، گروه‌های متمرکز و تحلیل متن برای مطالعه فضا و سیاست استفاده می‌کنند.



دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: دهه ۱۹۲۰ عمدتاً تحت تأثیر رویکردهای ژئوپلیتیکی بود تا جغرافیای سیاسی.
 - گزینه ۲: دهه ۱۹۳۰ عمدتاً تحت تأثیر رویکردهای ژئوپلیتیکی و ظهور ایدئولوژی‌های فاشیستی و کمونیستی بود.
 - گزینه ۴: دهه ۱۹۹۰ شاهد رشد ناسیونالیسم و قوم‌گرایی بود، اما این موضوع دلیل اصلی شکل‌گیری جغرافیای سیاسی انسان‌گرا نیست.
- گزینه ۳) ۵۶۹

دلایل صحت گزینه ۳:

- **تطابق با نظریات گاتمن:** ژان گاتمن، جغرافیدان فرانسوی، در آثار خود به مفهوم "نمادنگاری سنتی" به عنوان مجموعه‌ای از باورها، دیدگاه‌ها و شیوه‌های انجام امور مختلف که در روح یک ملت گنجانده شده‌اند، اشاره می‌کند.
- **نقش نمادها در هویت ملی:** گاتمن معتقد است که نمادها، مانند پرچم، سرود ملی، و داستان‌های ملی، نقشی اساسی در شکل‌گیری هویت ملی یک ملت ایفا می‌کنند. این نمادها به مردم یک ملت احساس تعلق و همبستگی مشترک می‌دهند.
- **تفاوت با سایر مفاهیم:** نمادنگاری سنتی با مفاهیم دیگر مانند "حرکت" (که به مهاجرت و جابجایی جمعیت اشاره دارد)، "ارگانیسم‌گرایی" (که به دیدگاه تشبیه دولت به یک موجود زنده می‌پردازد)، و "ناحیه‌گرایی درهم‌تنیده" (که به روابط بین مناطق مختلف در یک کشور اشاره دارد) متفاوت است.

مثال‌هایی از نمادنگاری سنتی:

- **پرچم ملی:** پرچم هر کشور نمادی از هویت ملی آن کشور است و در مناسبت‌های مختلف به اهتزاز در می‌آید.
- **سرود ملی:** سرود ملی هر کشور نمادی از تاریخ، فرهنگ و ارزش‌های آن کشور است و در مراسم رسمی و میهنی خوانده می‌شود.
- **داستان‌های ملی:** داستان‌های ملی به روایت تاریخ و هویت یک ملت می‌پردازند و به مردم آن کشور احساس تعلق و همبستگی مشترک می‌دهند.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: حرکت به مهاجرت و جابجایی جمعیت اشاره دارد و ارتباط مستقیم با مفهوم "نمادنگاری سنتی" ندارد.
 - گزینه ۲: ارگانیسم‌گرایی به دیدگاه تشبیه دولت به یک موجود زنده می‌پردازد و بر عملکرد و ساختار دولت تمرکز دارد، نه بر باورها و دیدگاه‌های مردم.
 - گزینه ۴: ناحیه‌گرایی درهم‌تنیده به روابط بین مناطق مختلف در یک کشور اشاره دارد و ارتباط مستقیم با مفهوم "نمادنگاری سنتی" ندارد.
- گزینه ۱) ۵۷۰

دلایل صحت گزینه ۱:

- **تطابق با نظریات دویچ و گلداشتین:** کارل دویچ در کتاب "ملت و ملیت در قرن بیستم" (۱۹۶۱) و جوشا گلداشتین در کتاب "قدرت و سیاست جهانی" (۱۹۹۰) به طور مشترک بر اهمیت نیروی نظامی و تولید ناخالص ملی (GDP) در ارزیابی قدرت ملی تأکید می‌کنند.
- **نقش نیروی نظامی در قدرت ملی:** نیروی نظامی یکی از ابزارهای اصلی قدرت ملی است و به یک کشور در دفاع از خود و منافع خود در برابر تهدیدات خارجی کمک می‌کند.
- **نقش GDP در قدرت ملی:** GDP نشان‌دهنده توان اقتصادی یک کشور است و به آن در تامین نیازهای داخلی و خارجی خود و همچنین در رقابت با سایر کشورها در عرصه بین‌المللی کمک می‌کند.
- **مثال‌هایی از اهمیت نیروی نظامی و GDP در قدرت ملی:**
- **ایالات متحده آمریکا:** ایالات متحده آمریکا دارای قوی‌ترین نیروی نظامی در جهان است و همچنین به عنوان بزرگترین اقتصاد جهان شناخته می‌شود. این دو عامل به طور قابل توجهی به قدرت ملی ایالات متحده آمریکا در عرصه بین‌المللی کمک می‌کنند.
- **چین:** چین در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری قابل توجهی در توسعه نیروی نظامی و اقتصاد خود انجام داده است. این موضوع به افزایش قدرت ملی چین در عرصه بین‌المللی منجر شده است.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۲: هزینه و اندازه نیروی نظامی و درآمد ملی معیارهای دقیقی برای ارزیابی قدرت ملی نیستند. به عنوان مثال، یک کشور ممکن است نیروی نظامی کوچکی داشته باشد، اما از فناوری پیشرفته‌ای برخوردار باشد که به آن قدرت قابل توجهی می‌دهد.
- گزینه ۳: هزینه‌های نظامی و اندازه نیروی دریایی فقط دو جنبه از قدرت نظامی هستند و سایر جنبه‌ها مانند نیروی هوایی و نیروی زمینی نیز در قدرت ملی یک کشور نقش دارند.
- گزینه ۴: تولید و مصرف انرژی و درآمد ناخالص ملی معیارهای کاملی برای ارزیابی قدرت ملی نیستند. به عنوان مثال، یک کشور ممکن است منابع طبیعی فراوانی داشته باشد، اما از فناوری لازم برای استخراج و استفاده از این منابع به طور کارآمد برخوردار نباشد.